

ذره بین

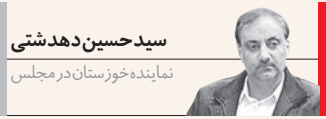
فراوانش شدگی، حس خوبی نیست

سازمان ملل ۱۴ سال پیش این فاجعه را پیش بینی کرده بود

وقتی برق و آب هم قطع شوند، مشکلات مردم چندبرابر می شود. در نهایت می توانیم این وضعیت را فاجعه زیست محیطی بدانیم. منشأ داخلی این آلودگی ها، کم آبی تالاب ها و رودخانه های استان خوزستان است. تالاب حورالعظیم و تالاب شادگان رو به خشکی رفته اند و به منشا بی بروز گرد و غبار تبدیل شده اند. از سوی دیگر آب از سرچشمه ها به مناطق نیازمند منتقل می شود. نیاز آنها مورد قبول است اما نباید به قیمت از بین رفتن منطقه های دیگر برطرف شود. آن هم منطقه کم بارشی که شاید اگر منابع آبی بیشتری داشت به این وضع دچار شد.

جالب است بدانید سازمان ملل ۱۴ سال پیش این فاجعه را پیش بینی کرده بود اما باز هم اسنیر نگاه های مقطعی شدیم و هشدارها جدی گرفته نشد. در این شرایط همکاری جدی دولت و سایر نهادهای وابسته می تواند بودند و با جانفشانی های خود و فذاکاری های مادی و معنوی، به یکی از عوامل مهم حفظ خاک ایران مبدل شدند. آنها امروز احساس بی اعتمادی می کنند. در برخی موارد هم مردم می گویند در مورد این مسأله باید عدالت بیشتری وجود می داشت.

طرح های کوتاه مدت مشکلات فراوانی بر سر راه ما قرار داده اند. مسئولان باید آب را در مناطقی که با کمبود آب مواجه نیستند، مدیریت کنند نه آن که با استفاده از ساده ترین کارها آن را از یک منطقه به منطقه دیگر انتقال دهند. در هیچ جای دنیا این کار مورد پذیرش نیست چراکه چنین رویکردی یمنوعی به تغییر طبیعت محیط زیست منجر می شود. در بسیاری از مناطق دنیا آب دریا را با وجود هزینه بر بودن) تصفیه می کنند و به مصرف می رسانند. حتی می شود آب هایی که به خلیج می ریزد را از انتهای رودخانه ها به مناطق کم آب منتقل کرد. موافقم که این کارها در مقایسه با انتقال ساده آب، هزینه بر هستند اما در عوض مشکلات محیط زیستی فزاینده که امروز با خشکی از آنها مواجه هستیم به وجود نمی آورند. مسأله دیگر این که پس از آوارگی های بعد از جنگ مردم در مورد بازسازی ها گله دارند. آنها در این ۸ سال از روند رو به توسعه سایر استان ها عقب مانده اند و انتظار دارند این عقب ماندگی ها جبران شود. این احساس فراوانش شدگی و دیده نشدن اصلا حال خوبی نیست. همه مرز نشینیان کشور باید توجه ویژه ای قرار بگیرد چراکه اگر بناسنت امنیتی در کشور باشد اولویت با همین افراد است. به نظر خیلی از کارشناسان، دلیل سقوط نکردن آبادان آن بود که مردم قبیل از جنگ در این منطقه بودند و به آن جا تعلق خاطر داشتند. همین تعلق خاطر باعث شده بود همه در آن جا بمانند و از خاکشان حمایت کنند. از این روست که معتقدم، توجه به مناطق مرزی در کشور باید در دستور کار قرار بگیرد.



سید حسین دهدشتی نماینده خوزستان در مجلس

مهم ترین تاثیر اجتماعی شدت گرفتن دیواره گرد و غبار در استان خوزستان، بی اعتمادی مردم نسبت به وعده ها و سخنان مسئولان کلان کشور است. این بی اعتمادی به خیلی از مشکلات دامن می زند. در این شرایط لازم است مسئولان مشکلات مردم را درک کنند. برخی مسئولان وقتسی از دور موضوع واقعه را می شنوند، گمان می کنند گرد و غبار می آید و می رود. در ۱۰ سال گذشته وعده های زیادی داده شده است. حتی مصوبات خوبی هم از سوی دولت های گذشته تصویب شده که بخشی از آنها انصافا مصوبات خوبی بود. اما این مصوبات در مقام عمل، اجرایی نشده اند. یا به صورت کاملا ضعیفی تحقق پیدا کرده اند. بنابراین بی اعتمادی در مردم خوزستان ایجاد شده که باید آن را برطرف کرد. از سوی دیگر باید بپذیریم مردم خوزستان مهمان نواز و خونگرم هستند. آنها دوست ندارند این ویژگی را از دست بدهند. همه ساله بسیاری از مردم ایران به خوزستان سفر می کنند. اما اسامال وضعیت به گونه ای است که شاید خوزستانی ها مجبور شوند در ایام عید به مناطق دیگر ایران بروند. در همین ایام هم چندین همایش بنا بود برگزار شود اما افراد

از برگزاری آن منصرف شده اند. سرمایه گذاران و تجاری که می خواهند سرمایه گذاری کنند، قطعاً در چنین شرایطی تحت تاثیر قرار می گیرند و ممکن است سرمایه های خود را به مناطق دیگر ببرند. محدودیت هایی که در سفرهای هوایی و ناآندازه های سفرهای زمینی ایجاد شده، مسأله را پیچیده تر کرده است. در مدتی که گرد و غبارهای خوزستان افزایش پیدا کرده، تصادف های رانندگی تا حد معناداری بیشتر شد. سفرهای هوایی هم دستخوش تغییر شدند. کسانیکه در حوزه دریا فعالیت می کنند، در مورد سفرهایشان با مشکل مواجه شده اند. از سوی دیگر تعطیلات مراکز آموزشی، اداری و اصناف بر آموزش و اقتصاد تاثیر بسزایی دارد. در ایامی که گرد و خاک زیاد بود، برخی از مردم به دلایل مختلف منطقه را ترک کرده اند. حتی قبل از شدت گرفتن گرد و خاک هم به دلایل بی توجهی هایی که نسبت به استان وجود داشت، تقاضای انتقال برای کارکنان دولت فراوان بود. خیلی از افراد به دلیل بیماری و مشکلات دیگری می خواهند منطقه را ترک کنند. اگر آسیب هایی که در حوزه سلامت به ساکنان استان وارد می شود را ننگفته بگذاریم، بسیاری از تاسیسات برق در این مدت با مشکل مواجه شده اند. در برخی از مناطق استان خوزستان، قطعی برق در ادامه منجر به قطعی آب می شود. حتی تجسم این وضعیت (یعنی وجود گرد و خاک شدید، قطعی برق و قطعی آب) در خوزستانی که تا این حد گرم است، کار دشواری است تا چه رسد به این که بخواهید در چنین منطقه ای زندگی کنید. البته که می شود تا مدتی از گرد و خاک فرار کرد اما

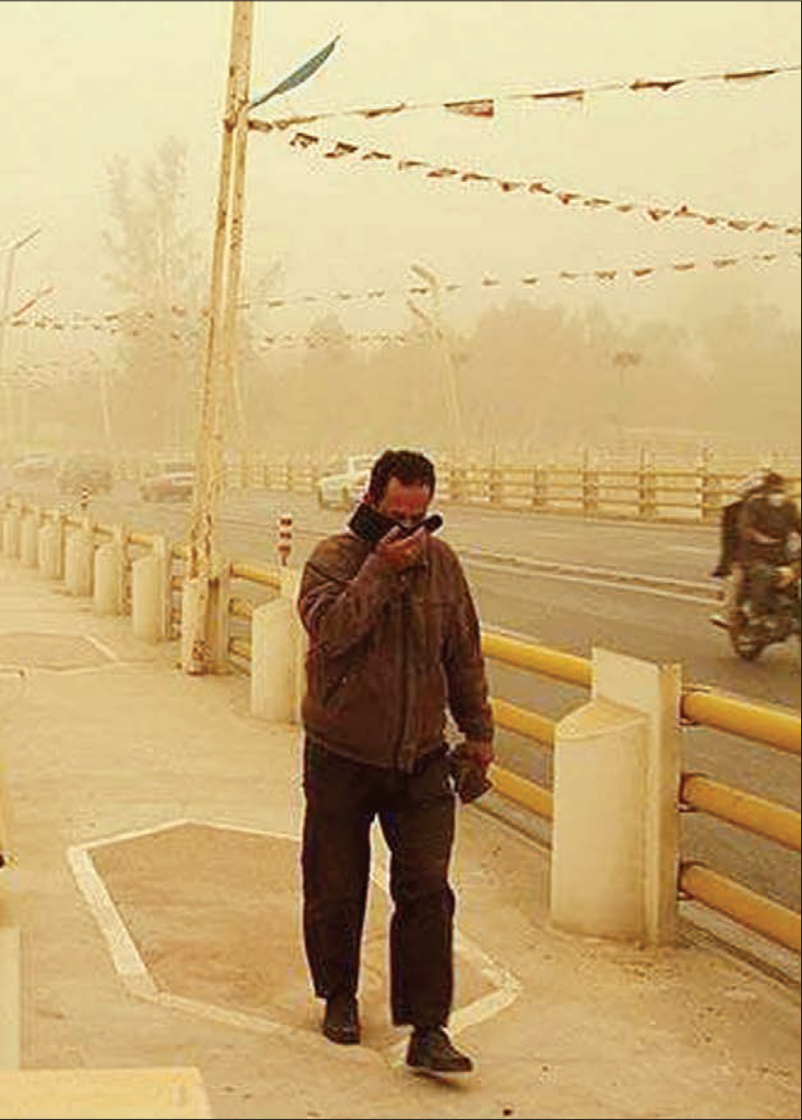
بود ولی قبل از این تعطیلی نمایندگان خوزستان بیانیهای صادر کرده و نسبت به بحرانی این استان اعتراض کرده بودند که مطمئنا این اعتراضات وسیع تر هم خواهد شد چون ریزگردها محدود به خوزستان نیست. مطمئنا محیط زیست هم در این موضوع تحت فشار است. عده ای از این جایگاه سوءاستفاده و مسأله را سیاسی می نمایند نباید افراد را متهم کنیم. مهم تر از هر چیز این است که تا امروز حرکت جدی در این خصوص صورت نگرفته است. حرکت های مسکنی و ابراز همدردی کردن مشکلی را حل نمی کند. مطمئنا مجلس هم واکنش نشان خواهد داد چون ریزگردها به معضل اجتماعی تبدیل شده است. کسانیکه تصمیم به سرمایه گذاری در خوزستان را داشتند منصرف شدند و خیلی از فروشنده ها در آستانه تعطیلی هستند چون اجناس شان از بین رفته است. مردم با بیماری های جدی ریه مواجه هستند و طبیعی است که عده ای تصمیم به مهاجرت می گیرند. در کل در همه فعالیت های اجتماعی توقف ایجاد شده است و فقط عزم ملی و برنامه ریزی اصولی و ریشه های می تواند مشکل را برای همیشه حل کند.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در گفت و گو با «شهر وند»:

مسأله ریزگردها، یک معضل خطرناک اجتماعی

کار اصولی و جدی برای مقابله با ریزگردها نکرده ایم

طرح نوا هواز نفس ندارد از بس که خاک دارد. ریزگردها، اسمشان شاید ریز باشد و به نظر ناچیز بی بند اما اتفاقی که به واسطه این پدیده زیست محیطی در حال روی دادن است، تبعات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بهمراتب بدتری به دنبال دارد. کانون های پیدایش ریزگردها چند سالی است که استان های غربی و جنوبی کشور را درگیر کرده است. در حالی که خشکسالی و کم شدن بارش در سراسر ایران مشکلی است که تبعات گرد و غبار ناشی از ریزگردها را بدتر کرده است. به طوری که تقریباً ۲ هفته ای می شود مردم استان خوزستان دیگر هوایی برای تنفس ندارند. ریه های مردم اهواز، آبادان و خرمشهر از گرد و غبار پر شده تا جایی که برای تنفس ندارند. ریه های مردم اهواز، خوزستانی های استان های اطراف به گوش می رسد. خوزستان منطقه ای استراتژیک برای کشور است؛ به نوعی کانون اقتصاد نفتی ایران محسوب می شود. تعطیلی چند روزه ادارات، مراکز تجاری و مدارس نمی تواند مشکلی را حل کند؛ همان طور که پخش ماسک رایگان و سفرهای مسئولان برای دلجویی از این مردم محروم و مقاوم استان، پدیده ریزگردها همین طور که امروز به خاطر بی تدبیری های گذشته خوزستان را فلج کرده، اگر به حال خودش رها شود با ناهایتا با اقدامات مسکنی کوتاه مدت کنترل شود. تبعات بلندمدت آن چه بسا بدتر و جبران ناپذیر تر شود. عباس صلاحی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در گفت و گو با «شهر وند» در مورد برنامه مجلس برای این مشکل عنوان کرد که مجلس ۱۰ روزی تعطیل بود ولی در اولین جلسه مطمئنا رسیدگی به گرد و غبار را در دستور کار قرار می دهد. مشروح این گفت و گورا در ادامه می خوانید.



می خواهیم بگوییم ما می دانستیم فاجعه و بحرانی در راه است و کاری نکردیم...

چند سال پیش مطرح می شد که این خاک از عراق می آید اما چیزی که جدیداً مطرح می شود این است که به واسطه سدهایی که زده شده و دشت هایی که بر اثر کم آبی و بی آبی بیشتر شده، این گرد و غبار بدتر شده است. منشأ اصلی هنوز مشخص نیست. تنها چیزی که می توان نتیجه گرفت این است که در کنار عوامل محیط زیستی، عوامل انسانی هم بر تکرار و تشدید این پدیده نقش داشته است. پس دست کم می توانیم با عوامل انسانی برخورد کنیم. کارهای پیشگیرانه هم می تواند صورت گیرد مثلاً با کاشت گیاهانی که حرکت گرد و غبار را کند یا منحرف کند. باید با همکاری کشورهای همجوار نشست هایی داشته باشیم تا مشکل را با همکاری آنها بررسی کنیم. حتی ما می توانیم روی کمک های بین المللی حساب باز کنیم. نهادهای بین المللی می توانند در بلاای طبیعی به کشورها کمک کنند. به نظر من تا امروز کار جدی برای حل این معضل صورت نگرفته؛ مسأله دخالت کنند و اقدامات عملیاتی انجام دهند. عوامل

ریزگردها علاوه بر تاثیرات بسیار جدی بر سلامت مردم استان های جنوبی کشور، تبعات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زیادی دارد، نظر شما در این رابطه چیست؟

ریزگردها قاعدتاً پدیده ای است که تمام اقشار جامعه، اعم از تولید کنندگان و صنعتگران و افراد عادی جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. نمی توان گفت اثر آن فقط روی قشر یا طبقه خاصی است. گرد و غبار پدیده ای فراگیر است و مطمئنا عوارض اقتصادی و اجتماعی به مراتب وخیم تری بر کشور وارد می کند. من هم موافقم که این پدیده باید به عنوان یک معضل خطرناک اجتماعی مطرح شود. ماهیت آن مشخص است، تنها چیزی که می تواند کمک کند، بررسی علل و منشأ های این گرد و غبار است که برای برطرف کردن آن تلاش کنیم. این که بیاییم بگوییم چقدر ماسک توزیع شده و چه تعداد اداره و مدرسه تعطیل شده، در صورت مسأله تغییری ایجاد نمی کند و دردی را دوا نمی کند. پدیده ریزگردها فقط مسأله دیده نشدن، هر چند اسامال بدتر بود؛ ولی تا به حال اقدام عملی برای مقابله با این پدیده صورت نگرفته است.

انسانی باید کنترل شوند. اجلاس منطقه ای مداوم با کشورهای منطقه ای در مسیر ریزگردها می تواند به بررسی عمیق و همه جانبه موضوع و بهره بردن از خرد جمعی برای حل مشکل کمک کند.

تبعات بهداشت و درمانی که به واسطه این پدیده ایجاد می شود، هزینه زیادی بر کشور تحمیل خواهد کرد. سازمان های درگیر مثل محیط زیست، منابع طبیعی، جهاد کشاورزی و حتی نیروهای بسیج و نیروی انتظامی با این پدیده همه باید به یک عزم ملی در مقابله با این پدیده برسند. وضع امروز بحرانی است، از یک طرف عده ای از این مسأله زیست محیطی و اجتماعی برای متهم کردن عده ای به کم کاری استفاده می کنند و از طرف دیگر عده ای می خواهند با سوءاستفاده از این مسأله، نظام را زیر سوال ببرند.

آیا مجلس به عنوان قانون گذار برای جلوگیری از تبعات اجتماعی جدی که ممکن است دامنگیر مردم استان های جنوبی شود، برنامه داشته یا اصلا ورود پیدا کرده است؟

پدیده ریزگردها ۳، ۲ هفته است که شدت پیدا کرده و بحرانی شده است. مجلس ۱۰ روزی تعطیل

استانی باید کنترل شوند. اجلاس منطقه ای مداوم با کشورهای منطقه ای در مسیر ریزگردها می تواند به بررسی عمیق و همه جانبه موضوع و بهره بردن از خرد جمعی برای حل مشکل کمک کند.

تبعات بهداشت و درمانی که به واسطه این پدیده ایجاد می شود، هزینه زیادی بر کشور تحمیل خواهد کرد. سازمان های درگیر مثل محیط زیست، منابع طبیعی، جهاد کشاورزی و حتی نیروهای بسیج و نیروی انتظامی با این پدیده همه باید به یک عزم ملی در مقابله با این پدیده برسند. وضع امروز بحرانی است، از یک طرف عده ای از این مسأله زیست محیطی و اجتماعی برای متهم کردن عده ای به کم کاری استفاده می کنند و از طرف دیگر عده ای می خواهند با سوءاستفاده از این مسأله، نظام را زیر سوال ببرند.

آیا مجلس به عنوان قانون گذار برای جلوگیری از تبعات اجتماعی جدی که ممکن است دامنگیر مردم استان های جنوبی شود، برنامه داشته یا اصلا ورود پیدا کرده است؟

پدیده ریزگردها ۳، ۲ هفته است که شدت پیدا کرده و بحرانی شده است. مجلس ۱۰ روزی تعطیل

در چینه

بدبینی ۱۰ ساله



وحيد تاج خواننده

مردم خوزستان، مردم رنج کشیده ای هستند. آنها ۱۰ سال است با گرد و غبار دست به گریبان هستند. در تمام این مدت اما هیچ کسی فکری به حال مشکل به وجود آمده نکرد. کودکان، افراد مسن و زنان باردار بیشتر این آزار را در این وضعیت تحمل می کنند. چند روزی است برای برگزاری کنسرت به دزفول، محکوم به تحمل این مدت حتی یک نفر را ندیدم که غصه دار نباشد.

خیلی ها بیمار هستند و برای رفت و آمد به سایر نقاط کشور باید از هواپیما استفاده کنند. در این شرایط همه پروازها کنسل می شود و خیلی ها به همین خاطر ضررهای جبران ناپذیری متحمل می شوند. معلوم نیست گناه این مردم چیست که بدون هیچ عکس العمل جدی از سوی مقامات مسئول، محکوم به تحمل این همه درد هستند؟ در مورد وضعیت روحی این مردم فقط می توانم بگویم: «چهره ها در هم و دل ها همه افسرده از هم». مگر ما همه مردم ایران اعضای یک پیکر واحد نیستیم، چرا به این مردم توجه نمی شود؟ حتماً باید پای این گرد و غبار به تهران برسد تا مسئولان برای حل معضل، چاره ای بیندیشند. اگر بنا بود چنین جسمی از آلودگی وارد پایتخت شود، مدارس و ادارات مدت ها تعطیل می شدند، اما در خوزستان آب از آب کلان نخورد، البته این چند روز که به دزفول و اهواز آمد، مدارس در بعضی نوبت ها تعطیل شدند اما کارمندان ادارات باید سر کارشان می رفتند (البته از ساعت ۱۰ صبح به



طبیعی دیگر را هم در دل خود دارد اما چه سود؟ آب منطقه خصوصاً رود «دز» یکی از پر آب ترین و خروشان ترین رودهای ایران است که حجم قابل توجهی از آب در بسترش جاری است. حجم قابل توجهی از این منبع قابل اتکای آبی اما از طریق لوله کشی به استان های اطراف فرستاده می شود. از این راه، شهرهایی که مشکل آب دارند، آب شیرین و گوارای «دز» را استفاده می کنند. آیا جواب دست های بخشنده را باید این گونه داد؟

مردمی که ۸ سال بمباران و موشک و بدبختی را تحمل کرده اند، مستوجب این بی توجهی و دردنیتند.

خوزستان غیر از نفت بسیاری از منابع طبیعی دیگر را هم در دل خود دارد اما چه سود؟ آب منطقه خصوصاً رود «دز» یکی از پر آب ترین و خروشان ترین رودهای ایران است که حجم قابل توجهی از آب در بسترش جاری است

مشکل این است که ظاهراً در منطقه های در مرز بین ایران و عراق، صحرایی پر خاک (با خاک های در اندازهای کوچک) وجود دارد. کمبود بارندگی از دیگر عواملی است که باعث شده گرد و غبار به صورت معلق در هوا بماند. به جرأت می شود گفت غیر از دو ماه از سال (بهمن و اسفند) که بارندگی در خوزستان اتفاق

ادامه از صفحه ۹

اسمش خوزستان بود...

شاید امروز بدنشان مقاومت نشان دهد اما جوانانی که به ۵۰ سالگی برسند، هر کدام به ناراحتی و نارسایی روی دچار می شوند و باید یک کیسول صحرای عربستان یا عراق؟ کسی چه می داند! اگر از آفریقا باشد شاید آلودگی بیماری ایابول داشته باشد و اگر از عراق باشد مواد صنعتی اورانیومی با هزار نوع آلودگی است.

خاکی که اسامال آمد، چرب و روغنی بود مثلاً وقتی شیشه خودرو را تمیز می کردیم، چربی، روی آن می ماند. نمی دانم منشأ کجاست، آفریقا، صحرای عربستان یا عراق؟ کسی چه می داند! اگر از آفریقا باشد شاید آلودگی بیماری ایابول داشته باشد و اگر از عراق باشد مواد صنعتی اورانیومی با هزار نوع آلودگی است.

استان خوزستان، کانون اقتصاد نفتی ایران است. اگر دکل های حفاری شرکت نفت بخوابد و اگر پتروشیمی و فولاد تعطیل شود، فقط خوزستان ضربه نمی خورد. مطمئنا کل حالت اضطرار ادامه پیدا کند، این اتفاق بعید نیست. گرد و خاک استهلاک زیادی برای کارخانه های ۲۴ ساعته استان دارد؛ دستگاه ها را از بین می برد و برحای خنک کننده نفت و پتروشیمی را از کار می اندازد چون لجن در آن رسوب می کند. استهلاک مالی برای کارخانه فولاد و شرکت نفت از جیب دولت پرداخت می شود. همین ضرر به پیمانکار هم وارد می شود و در کل اقتصاد استان دچار کود می شود. اهواز خودش یک شهر صنعتی بزرگ است که به خودی خود آلاینده های زیادی در هوا دارد، حالا گرد و غبار هم به آن اضافه شده است. مردم اهواز شاید امروز تاب بیاورند،